

## مواضع امام خمینی درباره فلسطین

۱۲ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۹

سیاست خارجی هر کشوری اصولی و مبانی خاص خود را دارد که این اصول و مبانی برگرفته از نیازها و استراتژی‌های طراحی شده برای آن کشور است. اصولی که می‌تواند برای دهه‌ها ادامه داشته باشد و مبنای ارزیابی آن کشور قرار گیرد

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، شروعی برای تغییر مبانی و اصول بنیادین سیاست داخلی و خارجی در جمهوری اسلامی ایران بود، این تغییرات به گونه‌ای بود که بسیاری از نویسندگان و مورخان انقلاب ایران را تنها انقلاب واقعی در جهان آن روز ارزیابی کردند، چرا که زیرساخت‌های بسیاری را تغییر داد، زیرساخت‌هایی که نه تنها در حوزه جغرافیایی ایران، بلکه حوزه‌های اطراف خود را نیز تحت تاثیر شگرف و همه جانبه‌ای قرار داد.

سیاست خارجی ایران تا پیش از انقلاب در هم‌پیمانی و همراهی با غرب، مدارا با قدرت شرق، انجام وظایف ژاندارمی منطقه و مهم‌تر از آن هماهنگی با رژیم صهیونیستی خلاصه می‌شد، اموری که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب برعکس شد، ایران به عنوان کشور انقلابی به دشمن سرسخت غرب مبدل گشت، ژاندارمی منطقه را ترک و خواستار امنیت جمعی با همکاری همه کشورهای حاضر شد، شعار نه شرقی و نه غربی سر داد تا همه بدانند که مدارا با قدرت شرق در کار نیست و در نهایت ضربه اساسی و گیج کننده را در پایان بر چهره منطقه نواخت و رابطه با رژیم صهیونیستی را تعلیق و با نام بردن از آن به عنوان غده سرطانی تلاش بسیاری کرد تا این غده را با حمایت از ملت مظلوم فلسطین ریشه کن کند.

حضرت امام خمینی با پایه‌ریزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با موجودیت جعلی رژیم صهیونیستی، آنچه را که صهیونیست‌ها در چهار جنگ پیشین خود با اعراب اندوخته بودند، بر باد دادند و با عوض کردن صحنه ژئوپلتیک خاورمیانه به نفع فلسطینی‌ها، عملاً سران این رژیم را تنگنای شدیدی قرار دادند.

ایران پیش از انقلاب اسلامی یکی از مهمترین هم‌پیمانان و متحدان رژیم صهیونیستی در منطقه به شمار می‌رفت و نقطه اتکای این رژیم محسوب می‌شد، اما انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا این نقطه اتکا و قدرتمند از آن گرفته شد و ایران با وارد شدن معنی‌دار در عرصه سیاست منطقه و حمایت از ملت مظلوم فلسطین، زمین بازی را به نفع مردم ستمدیده آن تغییر دهد.

دیدگاه‌های امام پیش از پیروزی انقلاب

شاید بسیاری بر این باور باشند که مخالفت امام با رژیم صهیونیستی مربوط به پس از پیروزی انقلاب باشد، اما از زمان شروع نهضت اسلامی ایران در سال ۱۳۴۱ و تحرکات ضد رژیمی امام و مردم، ایشان نسبت به وجود صهیونیست‌ها در ایران و نقش آنها به همراه بهایی‌ها در تعیین سرنوشت مردم هشدار داده و از مردم می‌خواهد تا در این مورد به شدت مراقبت کنند. ایشان در سخنرانی خود در سال ۱۳۵۱ درباره لزوم کمک و مساعدت به مردم مظلوم فلسطین می‌فرمایند:

«در این روزگار چنگال‌های استعمار در اعماق حکومت‌های اسلامی فرو رفته و استعمارگران هر وسیله ممکن و آنچه در توان داشته‌اند را در جهت ایجاد تفرقه میان مسلمانان به خدمت گرفته‌اند و به هر وسیله‌ای برای ترساندن آنان از تمسک و عمل به اسلام و تعالیم قرآنی، متوسل شده‌اند تا استعمارگران با اطمینان کامل به اهداف غیر انسانی‌شان در به غل و زنجیر کشیدن طبقه ضعیف و محروم برسند و در این عصر، شعارهایی پر زرق و برق، مسلمانان را از تعالیم قرآن و فرهنگ آن دور سازند و راه برای مصالح خاص خودشان باز کنند.»

امام در پاسخی که در سال ۱۳۵۲ به دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا و کانادا ارسال داشته است می‌فرماید: «... اسرائیل زاییده طبیعی تعاون فکری میان دول استعماری شرق و غرب بود، چرا که آنان با ایجاد اسرائیل، دست به استثمار و نابودی و استعمار و تقسیم جهان اسلام زدند و امروز به روشنی می‌بینیم که همه طرف‌های استعماری به آن کمک می‌کنند...»

این دیدگاه راهبردی که چند سال پیش از پیروزی انقلاب توسط امام ارائه شد، در سال‌های بعد هم جریان یافت. با توجه به این موضوع می‌توان گفت، امام خمینی از همان ابتدا مساله فلسطین را موضوعی اسلامی و نه صرفاً عربی می‌دید، این نوع واکنش‌ها البته در سال‌های بعد هم از سوی امام عنوان شد چرا که ایشان به وضوح می‌دیدند که مساله فلسطین وجه المصالحه قرار گرفته و اعراب بیش از آنکه به دنبال آزاد کردن فلسطین و سرزمین‌های اشغالی از دست صهیونیست‌ها باشند، به دنبال حل و فصل مشکلات خود با غرب و عادی سازی روابط با اشغالگران قدس می‌باشند و از همین رو است که از جهان اسلام مدد می‌خواهند و با اسلامی کردن مساله فلسطین تلاش می‌کند طیف وسیع‌تری را پشت سر مردم مظلوم و آواره آن بسیج کند.

این موضع امام را می‌توان در این سخنان ایشان به وضوح دریافت و دید:

امام می‌فرماید: «... گرفتاری و بدبختی فلسطین است که در رأس گرفتاری‌هاست» و امام این را می‌فرماید تا میان آنچه در فلسطین اشغالی می‌گذرد و آنچه در ایران شاه می‌گذرد مقایسه کند تا فلسطین اشغالی در نگاه او به عنوان رأس گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها باقی بماند و لیکن چرا این بدبختی ادامه دارد و چرا طرح صهیونیستی استمرار می‌یابد؟ امام که فهم دقیقش را نسبت به واقعیت طرح استعماری کاملاً نشان می‌دهد پاسخ می‌دهد: «... اختلاف کلمه و نوکری برخی از سران کشورهای اسلامی است که به ۷۰۰ میلیون مسلمان با همه معادن و ثروت‌ها و نیروها و امکاناتی که دارند امکان قطع دست استعمار و صهیونیسم و جلوگیری از نفوذ بیگانه را نمی‌دهد و این هواهای نفسانی و خواسته‌های شخصی و کرنش برخی دولت‌های عربی نسبت به نفوذ

مستقیم بیگانه، اینها همه است که ۱۰۰ میلیون عرب را از آزادی فلسطین از دست اسرائیل بازداشته است.» سپس نسبت به هدف نهایی طرح استعماری خطاب به مسلمانان هشدار می‌دهد: «آنان باید بدانند که دولت‌های بزرگ استعماری با ایجاد اسرائیل تنها قصد اشغال فلسطین را نداشته‌اند، بلکه آنان برای انداختن همه دولت‌های عربی و اسلامی - العیاذ باللّه به همان سرنوشت فلسطین نقشه می‌کشند».

محورهای اساسی دیدگاه‌های امام در مورد فلسطین

با دقت نظر در سخنان امام (ره) می‌توان به محور موضوعات مرتبط با فلسطین در اندیشه ایشان دست یافت:

(۱) نابودی و محو اسرائیل

(۲) فراخوان مسلمین به اتحاد علیه اسرائیل

(۳) اختصاص وجوهات شرعی به مبارزان فلسطینی

(۴) نامگذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام روز جهانی قدس

(۵) جدایی مساله یهود از صهیونیسم

به طور کلی می‌توان مهمترین عملکرد اندیشه‌های امام خمینی (ره) را در باب مسئله فلسطین افشای ماهیت تروریستی نژادپرستانه و ضد انسانی رژیم صهیونیستی، شکل‌گیری و پیروزی حرکت‌های اسلامی و شهادت طلبانه در روند مبارزات ملت فلسطین، شکست روند سازش و طرح‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه و اقبال جهانی برای حمایت از مردم فلسطین و مبارزه با صهیونیسم دانست، اقداماتی که ایران را در راس کشورهای حامی مردم فلسطین قرار داد و باعث تقویت موضع مبارزان فلسطینی در برابر اشغالگران صهیونیست شد.

تاکید بر اصل مبارزه

حضرت امام خمینی (ره) آزادی فلسطین را تنها در گرو مبارزه می‌دیدند، ایشان همواره کسانی را که مساله فلسطین را مساله‌ای عربی دیده و با مذاکره خواستار پایان آن بودند مورد سرزنش قرار داده و تاکید داشتند اگر با این رویکرد به مساله فلسطین نگاه کنیم، تنها به صهیونیست‌ها فرصت داده‌ایم، امری که در طول گذشت زمان راستی خود را نشان داد: «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی بپا خیزید و مقدرات خود را به دست گیرید تا کی نشسته‌اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کند

تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله‌های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود تا کی سرزمین قدس فلسطین لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید و بعضی حکام شما آتش بیار معرکه باشند.»

رهبرانقلاب اسلامی ایران با این آینده‌نگری که اشغال فلسطین ابتدای یک پروژه بزرگ‌تر است، تاکید داشتند باید از صهیونیست‌ها مراقبت کرد تا دیگر طرح‌های استعماری خود در منطقه را پیش نبرند و با حمایت از مبارزان فلسطینی، در همان فلسطین به مقابله با آنها پرداخت: «همه باید بدانند که هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد آنها در این نقشه‌اند که تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند و امروز ما ناظر جهاد مبارزین فلسطینی در راه سپردن سرنوشت فلسطین به فلسطینی‌ها هستیم ناظر مجاهدانی هستیم که جان برکف به جهاد قهرمانانه علیه اشغال و تجاوز و در راه آزادی فلسطین و سرزمین‌های اشغال شده بپا خاسته‌اند ناظر آنچه که دیروز دست نشانده‌گان استعمار در اردن و امروز در لبنان بر سر این مجاهدان آوردند... آیا مسلمانان و سران کشورهای اسلامی در چنین موقعیتی در پیشگاه خدا و عقل و وجدان مسئولیت و وظیفه‌ای ندارند آیا رواست که مجاهدان فلسطینی به دست گماشتگان استعمار در مناطق زیر سلطه استعمار قتل‌عام شوند ولی دیگران در برابر این جنایت سکوت کنند ... آیا دولت‌های عربی و ساکنان مسلمان این مناطق نمی‌دانند که با نابودی این جهاد سایر کشورهای عربی از شر این دشمن ناپاک روی امن و امان نخواهند دید.»

آینده فلسطین از آن اسلام است

امام خمینی(ره) با همان نگاه راهبردی خود که فلسطین را نه از آن اعراب بلکه از آن مسلمانان می‌دانستند، آینده آن را هم متعلق به اسلام ارزیابی می‌کردند و با این شعار همه مسلمانان را برای رسیدن به این آینده تشویق می‌کردند. امام با انتخاب آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس، عملاً مساله فلسطین را جهانی کردند و از هر مسلمان روزه‌داری خواستند تا با حضور اعتراضی در این جمعه، انزجار خود را از دشمن صهیونیستی ابراز کنند. جمهوری اسلامی ایران با این دیدگاه امام که باید فلسطین را با اتحاد جهان اسلام نجات داد، پایه سیاست خارجی خود را طراحی کرد و آن را ادامه داده است. سقوط دیکتاتورها در جهان عرب و امید به تداوم حرکت اعتراضی مردم برای سرنگونی دیگر دیکتاتورها، یکی از مبانی همین تفکر امام خمینی برای نجات فلسطین بود که با گذشت زمان در حال پوشیدن جامه عمل به خود است. بنابراین با تکیه بر اصل مبارزه باید امیدوار بود که فلسطین به دست مبارزان فلسطینی و با حمایت مسلمانان جهان شاهد آزادی خود باشد، چرا که امروز صهیونیست‌ها در بدترین شرایط ممکن به سر می‌برند و موقعیت ملت فلسطین با پیروزی‌های مردم بر دیکتاتورها هر روز بهتر و بهتر می‌شود.

منبع: مرکز اطلاع رسانی فلسطین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۵۶۳/مواضع-امام-خمینی-درباره-فلسطین>